

۲۱ آذرماه سالروز تولد احمد شاملو

تاوان فراموشی

مصطفی طیبی ●●●

چیزی که در آثار
ترجمه‌ی شاملو به چشم
می‌خورد، زیبایی نثر
ترجمه‌ی اوست که گویی
ما با یک نویسنده یا
شاعر فارسی زبان روبرو
هستیم



روی داد که خانلری و توللی و حمیدی شیرازی در اوج محبوبیت و قدرت داشتند پوست نیمایی پردازان را هم زنده زنده می‌کندند. اما احمد شاملو با قدرت تیر خلاص را زد و در مقابل «سخن» کهنه‌ی خانلری «سخن نو» خود را به منصفی ظهور گذاشت.

شاملوی داستان نویسی: تنها کار داستانی که از شاملو منتشر شده و در دسترس است، مجموعه داستان «درها و دیوار بزرگ چین» است. بد نیست کمی به تاریخ نوشتن داستان‌ها دقت کنیم به عنوان مثال داستان «زن پشت در مفرغی» مربوط به اواخر دهه‌ی ۲۰ است. جالب است در آن دوران نه داستان‌های صادق هدایت همه‌گیر شده و نه چوبک راه نوینی در داستان نویسی باز کرده است اما این داستان شاملو با روحی نوجویانه به مرزهایی نزدیک می‌شود که بعدها توسط امثال صادق چوبک درنور دیده می‌شود.

شاملوی روزنامه نگار: در دورانی که ژورنالیسم ادبی در ایران به شکل باورنکردنی ناکارآمد بود. شاملو وارد عرصه‌ی روزنامه‌نگاری می‌شود. آن روزها «سخن» مجله‌ای کهنه‌گرا بود که خانلری منتشر می‌کرد و ادعا می‌کرد اگر کسی به دنبال بزرگان شعر معاصر ایران می‌گردد کافی است به آرشیو این مجله رجوع کند. بعدها هم مجلاتی از قبیل فردوسی وارد بازار شد که بیش از ادبیات به دعوای درون قبیله‌ای - به عنوان مثال بین براهنی و آتشی - و یا دعوای برون قبیله‌ای - مثل گلشیری و براهنی - می‌پرداختند. در ابتدای

۲۱ آذرماه سالروز تولد احمد شاملوست. شخصی که اگر مانند او در کشوری غیر از کشورهای جهان سوم زاده شده بود، مطمئناً تا سالها سالروز تولدش بزرگ داشته می‌شد. اما در ایران گویا روال دیگرگونه است. حال برای اینکه عمق فاجعه را بیشتر درک کنید در ابتدا به بررسی شخصیت فرهنگی چند وجهی شاملو می‌پردازیم و پس از آن به بزرگداشتی که برای او و امثال او گرفته شده. احمد شاملو شاعر بود و این بزرگترین وجه زندگی او بود اما او تنها شاعر نبود ما در آن واحد با چند شاملو علاوه بر شاملوی شاعر روبرو بودیم.

شاملوی نوگرا: کسی نیست که با ادبیات ایران بعد از مشروطه آشنایی داشته باشد و با این جمله برخورد نکرده باشد که: «چهار رکن اساسی شعر بعد از نیما، شاملو، اخوان، فروغ و سپهری بودند». هنگامی که نیما افسانه را منتشر کرد، جنجالی به راه افتاد. هر چند پیش از نیما، جعفر خاмене‌ای و میرزاده عشقی دست به بلند و کوتاه کردن مصرع‌ها در قالب‌های کلاسیک زده بودند. اما این نیما بود که با دلیل و فلسفه‌ی مخصوص به خود شعر نو را طرح‌ریزی کرد و به راه انداخت. اغلب کهنه‌پردازان و دلبستگان به سنت گذشته در برابر نیما تمام قد ایستادند و یا مانند توللی ابتدا مرید او شدند و بعد توبه کردند و شمشیر را از رو بستند. این در حالی بود که نیما عروض و قافیه‌ی شعر قدیم را به کلی نفی نکرده و فقط آن را تعدیل کرده بود. اما احمد شاملو با انتشار «هوای تازه» اشعاری عرضه کرد که به کلی از بند وزن عروضی آزاد بودند. در شرایطی این اتفاق

شاملو در ایران هیچوقت از طرف هیچ دانشگاهی برای تدریس دعوت نشد به بهانه‌ی اینکه تحصیلات آکادمیک در زمینه‌ی ادبیات ندارد. این در حالی بود که مجموعه اشعار او یک قدم تا دریافت نوبل ادبی فاصله داشت و گزیده‌ی کارهای او در دانشگاه‌های انگلستان تدریس می‌شد و از طرف دانشگاه وین و دانشگاه یوته بوری سوئد و انجمن پن برای کنفرانس و شب شعر دعوت می‌شد. این در حالی است که شما حتی یک بار به اسم شاملو در کتاب‌های دبیرستانی و دانشگاهی بر نمی‌خورید.

بعد از فوت شاملو نیز بی‌مهتری نسبت به او ادامه داشت کسانی که در مورد قضیه‌ی «آسیب‌پذیری حقیقت در آثار فردوسی» با او اختلاف نظر داشتند از هر تریبونی برای حمله به شاملو در غیاب او استفاده کردند. تنگ نظری در مورد شاملو تا حدی بود که حتی سنگ قبر او نیز بعد از نصب بارها شکسته شد.

به هر صورت پرواضح است که جامعه‌ی ادبی رسمی ما به هیچ وجه قدردان شاملو (وامثال او) نبود. هرچند تلخ است اما شاید منطقی باشد که بزرگداشت شعرای ما در کشورهایی مثل ترکیه و تاجیکستان و انگلستان برگزار شود. تا هنگامی که شاعران بزرگ این گونه در وطن خود غریبند این کمترین توانی است که ما باید بپردازیم.



احمد شاملو با انتشار «هوای تازه» اشعاری عرضه کرد که به کلی از بند وزن عروضی آزاد بودند.

می‌گفت که شاملو حداقل روزی ۱۱ ساعت کار می‌کرد. به گفته‌ی آیدا بیشتر هم و غم شاملو مصروف مطالعه‌ی تاریخ این ملت می‌شد. وجه دیگری از مطالعات شاملو، پژوهش در فرهنگ فولکلور ایران بود. «کتاب کوچه» فرهنگ لغات و اصطلاحات عامیانه که شاملو از اوایل دهه‌ی ۳۰ به

این دوران شاملو هفته‌نامه‌ی «سخن نو» را منتشر کرد که نیمه کاره ماند. بعد از آن نشریه‌ی «روزنه» را منتشر کرد و در سال ۳۱ سردبیر «آشبار» شد که باعث خشم دستگاه حکومت می‌شود و به محاق می‌رود. و در سال ۳۶ هم سردبیر مجله «آشنا» می‌شود.

شاملوی مترجم: احمد شاملو در ۱۷سالگی هنگامی که کلاس سوم دبیرستان بود به خاطر علاقه به زبان آلمانی کلاس سوم را رها می‌کند و به کلاس اول دبیرستان صنعتی می‌رود. غیر از زبان آلمانی ترجمه‌هایی توسط شاملو از زبان‌های اسپانیولی و روسی منتشر شد. اگر بخواهیم از بزرگان ادبی کشور اسپانیا به دو نفر اشاره کنیم آن دو نفر «سروانتس» و «فدريو گارسيا لورکا» هستند. اما «لورکا» در ایران اصلا شناخته شده نبود تا اینکه شاملو اشعارش را به فارسی ترجمه کرد. الان به جرات می‌توان گفت که همه‌گیرترین اشعار ترجمه در ایران اشعار «لورکا» است.

هنگامی که از شاملو می‌پرسند که: شما بیشتر عمرتان را صرف چه کاری کردید؟ او پاسخ می‌دهد ترجمه‌ی «دن آرام» اثر «میخائیل شولوخوف» (این اثر یکی از ماندگارترین ترجمه‌های شاملو است. چیزی که در آثار ترجمه‌ی شاملو به چشم می‌خورد، زیبایی نثر ترجمه‌ی اوست که گویی ما با یک نویسنده یا شاعر فارسی زبان روبرو هستیم. البته این نکته را فراموش نکنیم که ترجمه یا زیباست و یا وفادار به متن اصلی - حتی بی انصاف‌ترین منتقدان شاملو (اغلب کسانی که یا شعر نو را قبول ندارند یا با شاملو اختلاف ایدئولوژیک دارند) نیز ادعان کرده‌اند که او مترجم کم نظیری است.

شاملوی پژوهش گر: بعد از مرگ شاملو، آیدا

گردآوری آن می‌پردازد، بارها و بارها توسط نظام حکومت پهلوی دوم از بین می‌رود و بعد از انقلاب نیز سالها اجازه‌ی انتشار پیدا نمی‌کند و البته امروز هم سرنوشته نامشخصی دارد. این‌ها چند جنبه از شخصیت فرهنگی شاملو بود. او فعالیت‌های دیگری هم از قبیل: شعر و داستان برای کودکان و سناریونویسی هم داشت و همه‌ی این جنبه‌ها منهای وجهه‌ی شاعری شاملو است که این وجهه خود به تنهایی برای بزرگ قلمداد کردن او کافی است.

و اما برخورد جامعه‌ی ادبی رسمی ما با چنین فردی: کورت وونه‌گات جوئیور نویسنده‌ی بزرگ آمریکایی تحصیلات شیمی و مکانیک داشت اما در دانشگاه‌های معتبر آمریکا به تدریس خلاقیت در داستان اشتغال داشت، اما احمد

شرکت تولیدی و مهندسی

حرارت گستر

دارای پروانه کاربرد علامت استاندارد شماره ۵۷۷۹

*** دارای تاییدیه نقشه ساخت دیگ بخار و آب داغ از TÜV اتریش ***

تولید کننده :	
دیگ بخار	فیلتر شنی
دیگ آب داغ و آب گرم	دی الکالایزر
دی اریاتور	فلاش تانک بخار
سختی گیر	جداکنده آب از بخار
منبم کوپل دار	جدا کننده هوا از آب
مبدل حرارتی	منبم کندانس

نشانی: تهران، خیابان طالقانی شرقی، شماره ۵۴۴، صندوق پستی: ۵۳۲۷۱-۱۵۸۷۵

تلفن: ۷۷۶۰۵۸۹۳ - ۷۷۶۰۵۸۸۹ فاکس: ۷۷۶۰۴۵۳۱